

پیامبر گرامی اسلام (ص):

هیچ کس از امت من (اسلام) نیست که سرپرستی سه دختر یا سه خواهر (خود را) بر عهده دارد و به آن ها به نیکی رفتار می کند، مگر این که (خداوند) برای او حجابی از آتش (جهنم) قرار می دهد. (تابه او نرسد) نهج الفصاحه ، ترجمه علی اکبر میرزایی ، چاپ هفتم ۱۵۳۵



روزنامه فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی ، ورزشی

صاحب امتیاز، مدیر مسؤول و سردبیر: محمد مهدی جعفری زاده
شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلوع (شایا): ۸۰۰۲ - ۵۸۷۳ ISSN: 5873 - 8002
حساب جاری سپهر ۰۱۰۱۴۵۵۸۳۷۰۰۱ بانک صادرات شیراز - شعبه سه راه بهار به نام روزنامه طلوع
شیراز: خیابان انقلاب (فادر) - نبش پارک انقلاب - مجتمع رز - طبقه اول
تلفن: ۰۷۱۱-۲۳۴۴۷۷۲ فاکس: ۰۷۱۱-۲۳۴۴۷۷۱
کازرون: خ قدمگاه - پایین تر از سه راه دانشرا تلفکس: ۰۷۲۱-۲۲۲۹۲۴۶
چاپ: میناق

امروز شما

متولدین فروردین (بره):
وقتی در مقابل جمع حرف می زید معمولاً از خودتان مطمئن هستید. اما امروز ممکن است بدون این که متوجه شوید خودتان را در وضعیت خطرناکی قرار دهید. برای این که از این وضعیت ناراحت کننده خلاص شوید باید رویکردتان را تغییر دهید. یعنی به جای این که به حرف ها و نحوه ای انتقال پیام تان فکر کنید بهتر است بفهمید که دیگران چه برداشتی از شما دارند.
متولدین اردیبهشت (کاو):
فکر می کنید که احساسات تان آن قدر آشکارند که همه ی دنیا می توانند حس و حال شما را ببینند. همین که چند کلمه بگویید کافی است، دیگران خودشان تا نه ماجرا را خواهند فهمید. اگر چه در کانون توجه بودن ممکن است ناراحت تان کند، اما مطمئن باشید که دیگران همان قدری می دانند که شما به آنها گفته اید. بقیه فقط توهمات شماست که فکر می کنید در معرض خطر قرار دارید.
متولدین خرداد (دوقلوا):
امروز ممکن است هنگام ارتباط با دیگران دچار مشکل شوید. زیرا دقیقاً نمی دانید چه بگویید. البته دلیل همه ای این ها بازگشت ماه به نشانه ی تغییر پذیری شماست که باعث شده ذهن تان هر لحظه این سو و آن سو شود. اما اگر سعی کنید که بیش از حد ملموس حرف بزنید ممکن است نتیجه ی معکوس بگیرد. زیرا در این مورد هم دیگران حرف های شما را نخواهند فهمید. امروز به شما توصیه می شود که فقط رویاها و آرزوهای تان را با دیگران در میان بگذارید و سعی نکنید که به کسی راه نشان دهید.
متولدین تیر (خرچنگک):
امروز دل تان می خواهد که اسرار تان را با دیگران در میان بگذارد. پس ممکن است به دنبال زمان و مکان مناسب بگردید تا به کسی بگویید که چه چیزی را پنهان می کردید. البته احساس خطر نمی کنید، زیرا هم اکنون در یک دنیای خیالی زندگی می کنید و باور دارید که از نظر احساسی در امنیت کامل هستید. کاری نکنید که وقتی با واقعیت روبرو شدید متعجب شوید.
متولدین مرداد (شیر):
امروز ممکن است کمی مشکلات تان فروکش کنند، اما بدانید که این فقط یک وقفه ی موقتی پیش از طوفان است. مشکل شما آن قدر اساسی است که به این راحتی ها چاره نمی شود. به نظر می رسد که اکنون در زنگ تفریح به سر می برید. به همین خاطر تمایلی ندارید که این موضوع را به طور ریشه ای مورد بررسی قرار دهید. به شما توصیه می شود که هر چه زودتر این کار را انجام دهید. زیرا دیر یا زود باید راهی پیدا کنید تا مشکلات تان را از اساس ریشه کن کنید.
متولدین شهریور (سنبله):
تصمیم گرفته اید اطلاعاتی را که در اختیار دارید به درستی کامل به دیگران انتقال دهید. اکنون عطراده به نشانه ی عقلی شما بازگشته و از این رو به شدت دقیق شده اید. اما از طرف دیگر نتون به ضرر شما وارد عمل شده و باعث می شود که حرف ها و کلمات شما پراکنده و گمراه کننده به نظر برسند. سعی کنید لحن تان متناقض نباشد، زیرا تلاش شما برای شفاف سازی گفته های تان ممکن است به نظر دیگران نوعی اعمال قدرت باشد.
متولدین مهر (ترازو):
افکار بزرگی در سر دارید، اما متأسفانه افکار شما با طرز عملکرد دیگران هماهنگ نمی آید. دوست دارید که با دوستان تان هماهنگ باشید، اما چنین چیزی اکنون ممکن نیست. یک برداشت غلط از سوی دوستان تان می تواند همه چیز را به هم بریزد. به نفع تان است که انگیزه های پنهان تان را کنار بگذارید و وارد بازی قدرت نشوید. زیرا ممکن است بر تلاش شما تأثیر بگذارد و نتوانید کارها تان را به انجام برسانید.
متولدین آبان (عقرب):
دل تان می خواهد که در اعماق احساسات غوطه ور شوید. اما دیگران ممکن است از این اعماق بترسند. اما امروز همه چیز فرق می کند، تصمیم دارید که از چیزهای سطحی فراتر نروید و تمایلات شدید خود را بی اهمیت جلوه دهید. اما این رفتار شما ممکن است نتیجه ی معکوس به همراه داشته باشد، شاید اطرافیان تان فکر کنند که شما انسان ریاکاری هستید. به جای این که حقیقت را نادیده بگیرید، به شما توصیه می شود که صادق باشید و از اعماق وجودتان حرف بزنید.
متولدین آذر (کمان):
امروز ممکن است در روابط تان تغییراتی حاصل شود. دقیقاً به همان سرعتی که یاد ابرها را جایه جا می کند. ممکن است از این بی ثباتی دچار آشفتگی شوید و نتوانید درست را از نادرست تشخیص دهید. شیوه ی عملکردتان را با شرایط حاضر تطبیق دهید. به جای این که وارد جزئیات احساسات ناپایدار تان شوید به شما توصیه می شود که به اهداف بلند مدت تان چشم بدوزید.
متولدین دی (بز):
امروز به شدت نیاز دارید که انگیزه های رفتاری شخص خاصی را بفهمید، اما منشأ آن تمایل را هنوز نمی دانید. هر بار که فکری کنید به جواب نزدیک شده اید، ناگهان از دست شما می گریزد. اجازه ندهید که اضطراب شما هنگام حل این مشکل بالا برود. به شما توصیه می شود که چند روزی صبر کنید تا ذهن تان سر و سامان بگیرد. در حال حاضر تنها کاری که از شما برمی آید این است که بر کار خودتان تمرکز کنید و کنججوی تان را روی موضوع دیگری قرار دهید.
متولدین بهمن (ظرف آب):
وقتی که می بینید دیگران اوقات زیادی را به شادی و تفریح می گذرانند، یادتان می آید که شما خودتان هم به تفریح و آسودگی نیاز دارید. مدتی است که به خاطر وظایف اجتماعی بسیار تنواسته اید به فعالیت های دلخواه تان برسید.
متولدین اسفند (ماهی):
اکنون دل تان می خواهد که در رویاهای تان غرق شوید، اما به نظر می رسد که دیگران وقت تان را گرفته اند و مجبورید رویاپردازی را به زمان دیگری موکول کنید. اطلاعاتی غیر عادی در دست دارید که وقتی می خواهید از آن ها حرف بزنید ناگهان از کف تان می روند. تجربه های معنوی و غیر معمول بهتر است به زبان نیایند. برای این که رویاهای تان را زنده نگه دارید باید به این فرآیند اطمینان کنید.

جالب و خواندنی

- در ۵ ثانیه یک کامپیوتر در سطح جهان به ویروس آلوده می گردد
- ظروف پلاستیکی ۵۰ هزار سال طول می کشد تا در طبیعت شروع به تجزیه شدن کنند.
- اغلب مارها دارای ۶ ریف دندان میباشند.
- ۹۰٪ سم مارها از پروتئین تشکیل یافته است.
- ۱۰ درصد وزن بدن انسان (بدون آب) را باکتری ها تشکیل می دهند.
- ۱۱ درصد جمعیت جهان را چپ دستان تشکیل می دهند.
- از هر ۱۰ نفر، یک نفر در سراسر جهان در جزیره زندگی می کند.
- ۹۸ درصد وزن آب از اکسیژن تشکیل یافته است.
- یک اسب در طول یک سال ۷ برابر وزن بدن خود غذا مصرف می کند.
- سوسک ها سریعترین جانوران ۶ پا میباشند. با سرعت یک متر در ثانیه.
- خرگوش ها و طوطی ها بدون نیاز به چرخاندن سر خود قادرند پشت سر خود را ببینند.
- کرگدن ها قادرند سریعتر از انسان ها بدوند.
- هیچ بگوشی در قطب شمال وجود ندارد.
- مادر و همسر گراهام بل مخترع تلفن هر دو ناشنوا بوده اند.
- کانادا یک واژه هندی به معنی روستای بزرگ می باشد.
- رشد دندان های سگ آبی هیچگاه متوقف نمی گردد.
- قلب وال ها تنها ۹ بار در دقیقه می تپد.
- چیتا قادر است در حداکثر سرعت خود گام هایی به طول ۸ متر بر دارد.
- شیمپانزه ها قادرند مقابل آینه چهره خود را تشخیص دهند اما میمون ها نمی توانند.
- عمر سنجاقک ها تنها ۲۴ ساعت می باشد.
- مدت زمان گردش سیاره عطارد بدور خود دو برابر مدت زمان گردش آن بدور خورشید می باشد.
- روشنائی قرص کامل ماه ۹ برابر هلال ماه می باشد.
- قلب یک جوجه تیغی در حالت عادی ۱۹۰ بار در دقیقه میزند که در دوران خواب زمستانی به ۲۰ بار در دقیقه کاهش می یابد.
- اسب ها قادرند در حالت ایستاده بخوابند.
- کانگوروها قادرند ۳ متر به سمت بالا و ۸ متر به سمت جلو بپرند.
- قلب میگو در سر آن واقع است.
- گونه ای از خرگوش قادر است ۱۲ ساعت پس از تولد جفت گیری کند.
- یک کوه آتشفشان قادر است ذرات ریز و گردوغبار را تا ارتفاع ۵۰ کیلومتری به فضای اطراف پرتاب کند.
- دارکوب ها قادرند ۲۰ بار در ثانیه به تنه درخت ضربه بزنند.
- سالانه ۵۰۰ فیلم در امریکا و ۸۰۰ فیلم در هند ساخته می گردد.
- آدولف هیتلر گیاهخوار بوده است.
- تمامی پستانداران به استثنای انسان و میمون کور رنگ می باشند.
- عمر تمساح بیش از ۱۰۰ سال می باشد.
- تمام قوای کشور انگلیس جزو دارایی های ملکه انگلیس می باشند.
- موربانها قادرند تا ۲ روز زیر آب زنده بمانند.
- مژه سیب، پیاز و سیب زمینی یکسان میباشد. تنها بواسطه بوی آن هاست که طعم های متفاوتی می یابند.
- فیلیاها قادرند روزانه ۶۰۰ گالن آب و ۲۵۰ کیلو گرم بوجیه مصرف کنند.
- جغد قادر به حرکت دادن چشمان خود در کاسه چشم نمیباشند.
- ۸۰ درصد امواج مایکرو ویو تلفنهای همراه بوسيله سر جذب می گردد.
- قد فضاانوردان هنگامی که در فضا هستند ۵ تا ۷ سانتی متر بلنتر می گردد.
- بلزیک تنها کشوری است که فیلم های غیر اخلاقی را سانسور نمی کند.
- جلیقه ضد گلوله، برف پاک کن شیشه خودرو و پرینتر لیزری همگی اختراعات زنان می باشند.
- موز بر مصرف ترین میوه کشور امریکا می باشد.
- در تمام انسان های کره زمین ۹۹.۹٪ شباهت ژنتیکی وجود دارد.
- ۹۸.۵۵ - از زن های انسان و شامپانزه یکسان می باشند.
- قلب انسان به طور متوسط ۱۰۰ هزار بار در سال می تپد.
- لئوناردو داوینچی مخترع قیچی می باشد.
- سطح شهر مکزیک سالانه ۲۵ سانتی متر نشست می کند.
- ۵۰٪ جمعیت جهان هیچگاه در طول حیات خود از تلفن استفاده نکرده اند.
- هرگاه جمعیت کره زمین به ۱۰۰ نفر کاهش یابد، ۵۰٪ پول جهان در دست ۶ نفر قرار خواهد گرفت.



مراسم تشییع، سومین و هفتمین روز درگذشت
یاران مددی پرم به خاک افتاده
سر تاسر روزگار من پاییز است
چون سرو صنوبرم به خاک افتاده
بدینوسیله درگذشت نا به هنگام
مرحومه حاجیه بانو سیده
شهلا عنایت زاده
(همسر حاج عبدالمحمد ضرغام)
مادری دلسوز و فداکار را به اطلاع دوستان و آشنایان می رساند.
مراسم تشییع آن زنده یاد روز چهارشنبه ۲۹ / ۵ / ۹۳ ساعت ۶ بعد از ظهر از بهشت زهرا ی کازرون به سمت آرامگاه ابدی برگزار می گردد.
همچنین مراسم سومین و هفتمین روز درگذشت آن عزیز از دست رفته روز پنجشنبه ۳۰ / ۵ / ۹۳ از ساعت ۴ / ۵ الی ۶ / ۵ بعد از ظهر در مسجد جامع شیخ کازرون برگزار می گردد.
خانواده های عنایت زاده - ضرغام و فامیل های وابسته

آرنا حاجیان

لباس عروسی نویسیم و مهریه ام ۱۲ سکه بود

معتمد و خیلی هم روی آن اصرار کردم و بچه ها هم روی من را زمین نینداختند. مادام هم با شناختی که از من دارد، می داند منظور من چه بوده است. یک دختر با هزاران امید و آرزو زندگی مشترکش را شروع می کند و هزاران ذهنیت خوب برای خودش دارد، زن ظریف است و بیشتر از مرد عاطفی است پس اگر بحث جدایی پیش بیاید، صدمات جدی تری می خورد، هر چند بعضی از زن ها سعی می کنند به روی خودشان نیاورند و ظاهر سازی می کنند اما در ضمیر ناخود آگاهشان تأثیر می گذارد و از درون ضعیف می شوند. بالاخره نیاکان ما، نسل های گذشته، یک شعوری داشتند که یکسری چیزها را گفته اند. ما حالا می خواهیم همه چیز را دور بریزیم، بهتر است چیزهایی را که در شرایط گوناگون درست به نظر می آید، حفظ کنیم و چیزهایی را که بوی خرافه می دهند، دور بریزیم.
شما به استقلال مالی زن اعتقاد دارید؟
صدرصد. یادم است قبل از ازدواجم، هر وقت در جمع های دخترانه صحبت از ازدواج می شد، همیشه می گفتم فکر اینکه یک مردی با اسب سفید بیاید و شما را ببرد و شما بنشینید در خانه و او برود کار کند، از دهنشان بیرون کنید. در این زمانه زن همان توانایی هایی را دارد که مرد دارد، منظورم توانایی های جسمی نیست، قابلیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی... را می گویم که در بعضی موارد زن ها حتی از مردها پیشی گرفته اند. اینکه یک زن فکر کند که مرد بیاید خرجش را بدهد و او برای خودش در خانه بنشیند و غذا درست کند و... در جامعه کنونی اصلا معنا ندارد. زن و مرد باید شانه به شانه هم کار کنند و پول در بیاورند و مراقب زندگی شان باشند. گذشت آن روزهایی که مرد به تنهایی یک خانواده را اداره می کرد الان خیلی از زن ها در آمدشان بهتر از مردهاست.
دوره شما خانم ها کمتر شغل بودند، اما شما کار کردید، آن هم در سینما، اطرافیان با این موضوع مشکلی نداشتند؟
البته زن خانه بودن بیشتر مال دوران مادر من بود، دوره من این موضوع کمی تعدیل شده بود. اوایل که رفتم دانشکده و تئاتر خواندم، اصلاً به بازیگری سینما فکر نمی کردم فقط در کارهای دانشجویی دوستانه کار می کردم. من تئاتر را خیلی دوست داشتم چون خیلی با اصالت است و اصلاً این قضیه که یک روزی بازیگر شوم اهمیت نمی دادم. بعدها به طور خیلی اتفاقی یکی از دوستان ما که کارگردان بود، فیلمنامه ای داد که بخوانم و نقش مادر آن فیلم را به من پیشنهاد کرد. من آن را خواندم و دیدم نقش عجوزه خیلی جذاب تر است. گفتم که این نقش را بیشتر دوست دارم اما این دوست کارگردان گفت این نقش را خانم مبین ترایی قرار است بازی کند. بعداً پوست خانم مبین ترایی به لاکس حساسیت نشان داد و قرار شد هر دو نقش را من بازی کنم. (فیلم زد عروسک ها)، مهر آوه



آنچنانی، لباس عروس فلان مدلی، جشن عروسی پر از تجملات و... به جرأت می توانم بگویم که نبود. یعنی مردم ارزش هایی را پیدا کرده بودند که خیلی عمیق تر و درست تر بود. تفکر مردم بهتر شده و زندگی خیلی راحت شده بود. مردم خیلی عمیق تر به اطراف و جامعه نگاه می کردند. این نگاه سطحی که الان و شاید روزهای قبل از آن تایت وجود داشت، در آن سال ها از بین رفته بود. جوان ها در سن پایین خیلی راحت ازدواج می کردند؛ با هم می رفتند محضر و بدون برگزاری عروسی های آنچنانی، با دو حلقه ساده، می رفتند سر زندگی مشترکشان، من خیلی آن شرایط را دوست داشتم.
ازواج شما هم ساده بود؟
بله، من هم خیلی ساده زندگی ام را شروع کردم، با میل خودمان عروسی نگرفتم، مادرم خیلی اصرار داشت حتماً جشن عروسی بگیریم اما ما با این قضیه مخالفت کردیم، لباس عروسی نویسیم و مهریه ام دوازده سکه بود که تازه خودم گفته بودم پنج سکه اما عاقد گفت: خاتم جان پنج سکه خیلی کم است، حداقل بگو دوازده سکه. آن موقع سکه خیلی ارزان بود.
چند سالتان بود که اولین فرزندتان یعنی مهرآوه به دنیا آمد؟
بیست و سه سالم بود یعنی یک سال بعد از ازدواجم، من عاشق بچه بودم. به همین انگیزه هم ازدواج کردم و خوشبختانه خیلی زودهم بچه دار شدم. البته اولش یک خرده می ترسیدم چون مهر آوه خیلی کوچولو بود و فقط دو کیلو و هفتصد و پنجاه گرم وزن داشت. یک فسطلی به تمام معنا! نگهداری از بچه خیلی کار سختی است. مادرم در مراقبت و نگهداری از مهر آوه به من خیلی کمک کرد و او خیلی شیرین بود. وقتی ملیکا به دنیا آمد، بزرگ تر شده بودم، تجربه بزرگ کردن مهر آوه را داشتم و شرایط زندگی مان هم بهتر شده بود، در نتیجه بزرگ شدن او را بیشتر لمس کردم اما نه به اندازه بعضی از ماماها و الان خیلی دلم می خواهد نودا شوم چون نوه سختی های نگهداری اش را با مامانش است و شیرینی هایش برای مامان بزرگش (با خنده).
شما در ازدواج ملیکا چقدر دخالت کردید؟
خدا را شکر داماد خوبی نصیب شده، او پسر با مسولیتی است و نسبت به هم سن و سال هایش با مطالعه و باسواد هنگام ازدواج آن ها من تا آنجا که می توانستم همراهی شان کردم ولی در یک مورد خیلی دخالت کردم که به خاطر این کار مهر آوه و ملیکا من را منتهم می کنند که من هم می پذیرم و می گویم باشه، قبول و هنوز هم به کاری که کردم، اعتقاد دارم.
این دلایلی که برای آن ها آوردید با توجه به چیزهایی بود که این روزها می بینید؟
تقریباً بله، چون من دیگر یک زن ۵۴ ساله هستم و زندگی های زیادی را دیده ام. به هر حال تجربه های شخصی و چیزهایی که هر کسی در طول زندگی اش با آنها مواجه می شود، تأثیر گذار است. همه اینها به شما یک نگاهی می دهد که فکر می کنی سر یک چیزهایی باید اصرار کنی. به نظر من مهریه همان طور که از اسمش هم معلوم است، نوعی مهر است. اصلاً بحث خرید و فروش نیست. مرد اعلام می کند که خانم! مهر شما در قلب من است، دلم نمی خواهد دل تو ببرد. اگر در زندگی اختلافی پیش بیاید، زن می گوید خیلی خب من یک هم چنین مهری را با خودم دارم حالا سازگاری می کنم چون حقوق من حفظ شده، به من نگاه شده، به من اهمیت داده شده، حالا با یک نگاه و یک بیان اقتصادی، این اول ماجراست. نیاکان ما و سنت های ما وقتی یک چیزی را می گویند، حتماً دلیلی دارد، حتماً چند نسل فکر پشت آن است. به نظر من زن باید مهریه داشته باشد، البته یک مهر معقول. هتاسفانه بعضی از دختر خانم ها این را رعایت نمی کنند.
وقتی در زندگی مشکلی پیش بیاید، زن با خودش می گوید این مرد من را دوست داشت یک هزینه ای را قبول کرد تا من را داشته باشد، در نتیجه زیاد احساس پرت بودن نمی کند. به بچه هایم گفتم زمانی آدم ها خیلی هم وفادارند خیلی هم همه چیز عالی است اما در یک برهه ای به دلایل مختلف احساسی، اخلاقی، اقتصادی و... ممکن است مشکلاتی به وجود بیاید که چاره ای جز جدایی نباشد. آن وقت زن که جوانی و عمرش را گذاشته، باید یک پشتیبان مالی داشته باشد، اگر مرد در شرایط خاصی اراده کند که از نظر عاطفی پرورد سراغ یک نفر دیگر و عواطفش را با یک زن دیگر شریک شود، در جامعه ما مشکلی برای آن مرد ندارد ولی وقتی مهریه وجود داشته باشد، یعنی مرد باید کاری که کرده تاوان بپردازد. وقتی مجبور باشد تاوان بدهد، ممکن است ترمزی بکند و با خودش فکر کند ببیند آیا یک هوسرانی ارزش این را دارد؟ نگاه من به مهریه این شکلی است و گر نه خیلی مشخص است وقتی دو نفر با هم نسانند و قرار باشد روزها، ساعت ها و عمر شان را در نگرانی، غصه، دعوا و عدم تقاضم بگذرانند، ترجیح می دهند همه چیز شان را بدهند تا از آن شرایط بد بیرون بیایند. این طوری نیست که فرد بماند و بسوزد تا مهریه اش را بگیرد و اگر کسی او چنین کاری کند، کار غیرعقلانه ای کرده، چون زن مهریه اش را برای رفاه زندگی می خواهد. اگر قرار باشد کسی را داغان و روح و وجودش را بزمرد کند، دنبال آن رفتن اصلاً به درد نمی خورد چون بعداً باید آن پول را خرج دوا درمان کند. مهریه چنین مفهومی برای من دارد که به آن

بهر حال تجربه های شخصی و چیزهایی که هر کسی در طول زندگی اش با آنها مواجه می شود، تأثیر گذار است. همه اینها به شما یک نگاهی می دهد که فکر می کنی سر یک چیزهایی باید اصرار کنی. به نظر من مهریه همان طور که از اسمش هم معلوم است، نوعی مهر است. اصلاً بحث خرید و فروش نیست. مرد اعلام می کند که خانم! مهر شما در قلب من است، دلم نمی خواهد دل تو ببرد. اگر در زندگی اختلافی پیش بیاید، زن می گوید خیلی خب من یک هم چنین مهری را با خودم دارم حالا سازگاری می کنم چون حقوق من حفظ شده، به من نگاه شده، به من اهمیت داده شده، حالا با یک نگاه و یک بیان اقتصادی، این اول ماجراست. نیاکان ما و سنت های ما وقتی یک چیزی را می گویند، حتماً دلیلی دارد، حتماً چند نسل فکر پشت آن است. به نظر من زن باید مهریه داشته باشد، البته یک مهر معقول. هتاسفانه بعضی از دختر خانم ها این را رعایت نمی کنند.
وقتی در زندگی مشکلی پیش بیاید، زن با خودش می گوید این مرد من را دوست داشت یک هزینه ای را قبول کرد تا من را داشته باشد، در نتیجه زیاد احساس پرت بودن نمی کند. به بچه هایم گفتم زمانی آدم ها خیلی هم وفادارند خیلی هم همه چیز عالی است اما در یک برهه ای به دلایل مختلف احساسی، اخلاقی، اقتصادی و... ممکن است مشکلاتی به وجود بیاید که چاره ای جز جدایی نباشد. آن وقت زن که جوانی و عمرش را گذاشته، باید یک پشتیبان مالی داشته باشد، اگر مرد در شرایط خاصی اراده کند که از نظر عاطفی پرورد سراغ یک نفر دیگر و عواطفش را با یک زن دیگر شریک شود، در جامعه ما مشکلی برای آن مرد ندارد ولی وقتی مهریه وجود داشته باشد، یعنی مرد باید کاری که کرده تاوان بپردازد. وقتی مجبور باشد تاوان بدهد، ممکن است ترمزی بکند و با خودش فکر کند ببیند آیا یک هوسرانی ارزش این را دارد؟ نگاه من به مهریه این شکلی است و گر نه خیلی مشخص است وقتی دو نفر با هم نسانند و قرار باشد روزها، ساعت ها و عمر شان را در نگرانی، غصه، دعوا و عدم تقاضم بگذرانند، ترجیح می دهند همه چیز شان را بدهند تا از آن شرایط بد بیرون بیایند. این طوری نیست که فرد بماند و بسوزد تا مهریه اش را بگیرد و اگر کسی او چنین کاری کند، کار غیرعقلانه ای کرده، چون زن مهریه اش را برای رفاه زندگی می خواهد. اگر قرار باشد کسی را داغان و روح و وجودش را بزمرد کند، دنبال آن رفتن اصلاً به درد نمی خورد چون بعداً باید آن پول را خرج دوا درمان کند. مهریه چنین مفهومی برای من دارد که به آن

هم خیلی تصادفی برای بازی در آن فیلم انتخاب و اولین کار حرفه ای من در کنار مهرآوه شروع کردید؟
نه، اصلاً نیازی به تمرین نبود. خودش با آقای هنرمند تمرین های شان را انجام می دادند و به من کاری نداشت. متأسفانه او اسط این فیلم، مادر من فوت کرد و شرایط روحی خوبی نداشتم.
مهرآوه شروع بود؟
من فوق العاده دختر مستقل و سرکشی بودم و مادرم خیلی دوست داشت مرا مثل خودش بار بیاورد اما من می خواستم خودم باشم. نمی خواستم مثل مادرم باشم. به خاطر همین ما همیشه در این مورد کشمکش داشتیم، او می خواست من خیلی شیک و خانمانه رفتار کنم و من بیشتر شبیه پسرها رفتار می کردم چون یک برادر هم داشتم که دو سال از من بزرگ تر بود و رفتار هایش در من خیلی تأثیر می گذاشت. حوصله نداشتم مثل مادرم شیک و خانمانه رفتار کنم. همیشه به او می گفتم مادر جان من خودم هستم لطفاً شما هم خودت باش و کاری به کار من نداشته باش.

تقریباً بله، چون من دیگر یک زن ۵۴ ساله هستم و زندگی های زیادی را دیده ام. به هر حال تجربه های شخصی و چیزهایی که هر کسی در طول زندگی اش با آنها مواجه می شود، تأثیر گذار است. همه اینها به شما یک نگاهی می دهد که فکر می کنی سر یک چیزهایی باید اصرار کنی. به نظر من مهریه همان طور که از اسمش هم معلوم است، نوعی مهر است. اصلاً بحث خرید و فروش نیست. مرد اعلام می کند که خانم! مهر شما در قلب من است، دلم نمی خواهد دل تو ببرد. اگر در زندگی اختلافی پیش بیاید، زن می گوید خیلی خب من یک هم چنین مهری را با خودم دارم حالا سازگاری می کنم چون حقوق من حفظ شده، به من نگاه شده، به من اهمیت داده شده، حالا با یک نگاه و یک بیان اقتصادی، این اول ماجراست. نیاکان ما و سنت های ما وقتی یک چیزی را می گویند، حتماً دلیلی دارد، حتماً چند نسل فکر پشت آن است. به نظر من زن باید مهریه داشته باشد، البته یک مهر معقول. هتاسفانه بعضی از دختر خانم ها این را رعایت نمی کنند.
وقتی در زندگی مشکلی پیش بیاید، زن با خودش می گوید این مرد من را دوست داشت یک هزینه ای را قبول کرد تا من را داشته باشد، در نتیجه زیاد احساس پرت بودن نمی کند. به بچه هایم گفتم زمانی آدم ها خیلی هم وفادارند خیلی هم همه چیز عالی است اما در یک برهه ای به دلایل مختلف احساسی، اخلاقی، اقتصادی و... ممکن است مشکلاتی به وجود بیاید که چاره ای جز جدایی نباشد. آن وقت زن که جوانی و عمرش را گذاشته، باید یک پشتیبان مالی داشته باشد، اگر مرد در شرایط خاصی اراده کند که از نظر عاطفی پرورد سراغ یک نفر دیگر و عواطفش را با یک زن دیگر شریک شود، در جامعه ما مشکلی برای آن مرد ندارد ولی وقتی مهریه وجود داشته باشد، یعنی مرد باید کاری که کرده تاوان بپردازد. وقتی مجبور باشد تاوان بدهد، ممکن است ترمزی بکند و با خودش فکر کند ببیند آیا یک هوسرانی ارزش این را دارد؟ نگاه من به مهریه این شکلی است و گر نه خیلی مشخص است وقتی دو نفر با هم نسانند و قرار باشد روزها، ساعت ها و عمر شان را در نگرانی، غصه، دعوا و عدم تقاضم بگذرانند، ترجیح می دهند همه چیز شان را بدهند تا از آن شرایط بد بیرون بیایند. این طوری نیست که فرد بماند و بسوزد تا مهریه اش را بگیرد و اگر کسی او چنین کاری کند، کار غیرعقلانه ای کرده، چون زن مهریه اش را برای رفاه زندگی می خواهد. اگر قرار باشد کسی را داغان و روح و وجودش را بزمرد کند، دنبال آن رفتن اصلاً به درد نمی خورد چون بعداً باید آن پول را خرج دوا درمان کند. مهریه چنین مفهومی برای من دارد که به آن

تقریباً بله، چون من دیگر یک زن ۵۴ ساله هستم و زندگی های زیادی را دیده ام. به هر حال تجربه های شخصی و چیزهایی که هر کسی در طول زندگی اش با آنها مواجه می شود، تأثیر گذار است. همه اینها به شما یک نگاهی می دهد که فکر می کنی سر یک چیزهایی باید اصرار کنی. به نظر من مهریه همان طور که از اسمش هم معلوم است، نوعی مهر است. اصلاً بحث خرید و فروش نیست. مرد اعلام می کند که خانم! مهر شما در قلب من است، دلم نمی خواهد دل تو ببرد. اگر در زندگی اختلافی پیش بیاید، زن می گوید خیلی خب من یک هم چنین مهری را با خودم دارم حالا سازگاری می کنم چون حقوق من حفظ شده، به من نگاه شده، به من اهمیت داده شده، حالا با یک نگاه و یک بیان اقتصادی، این اول ماجراست. نیاکان ما و سنت های ما وقتی یک چیزی را می گویند، حتماً دلیلی دارد، حتماً چند نسل فکر پشت آن است. به نظر من زن باید مهریه داشته باشد، البته یک مهر معقول. هتاسفانه بعضی از دختر خانم ها این را رعایت نمی کنند.
وقتی در زندگی مشکلی پیش بیاید، زن با خودش می گوید این مرد من را دوست داشت یک هزینه ای را قبول کرد تا من را داشته باشد، در نتیجه زیاد احساس پرت بودن نمی کند. به بچه هایم گفتم زمانی آدم ها خیلی هم وفادارند خیلی هم همه چیز عالی است اما در یک برهه ای به دلایل مختلف احساسی، اخلاقی، اقتصادی و... ممکن است مشکلاتی به وجود بیاید که چاره ای جز جدایی نباشد. آن وقت زن که جوانی و عمرش را گذاشته، باید یک پشتیبان مالی داشته باشد، اگر مرد در شرایط خاصی اراده کند که از نظر عاطفی پرورد سراغ یک نفر دیگر و عواطفش را با یک زن دیگر شریک شود، در جامعه ما مشکلی برای آن مرد ندارد ولی وقتی مهریه وجود داشته باشد، یعنی مرد باید کاری که کرده تاوان بپردازد. وقتی مجبور باشد تاوان بدهد، ممکن است ترمزی بکند و با خودش فکر کند ببیند آیا یک هوسرانی ارزش این را دارد؟ نگاه من به مهریه این شکلی است و گر نه خیلی مشخص است وقتی دو نفر با هم نسانند و قرار باشد روزها، ساعت ها و عمر شان را در نگرانی، غصه، دعوا و عدم تقاضم بگذرانند، ترجیح می دهند همه چیز شان را بدهند تا از آن شرایط بد بیرون بیایند. این طوری نیست که فرد بماند و بسوزد تا مهریه اش را بگیرد و اگر کسی او چنین کاری کند، کار غیرعقلانه ای کرده، چون زن مهریه اش را برای رفاه زندگی می خواهد. اگر قرار باشد کسی را داغان و روح و وجودش را بزمرد کند، دنبال آن رفتن اصلاً به درد نمی خورد چون بعداً باید آن پول را خرج دوا درمان کند. مهریه چنین مفهومی برای من دارد که به آن

تقریباً بله، چون من دیگر یک زن ۵۴ ساله هستم و زندگی های زیادی را دیده ام. به هر حال تجربه های شخصی و چیزهایی که هر کسی در طول زندگی اش با آنها مواجه می شود، تأثیر گذار است. همه اینها به شما یک نگاهی می دهد که فکر می کنی سر یک چیزهایی باید اصرار کنی. به نظر من مهریه همان طور که از اسمش هم معلوم است، نوعی مهر است. اصلاً بحث خرید و فروش نیست. مرد اعلام می کند که خانم! مهر شما در قلب من است، دلم نمی خواهد دل تو ببرد. اگر در زندگی اختلافی پیش بیاید، زن می گوید خیلی خب من یک هم چنین مهری را با خودم دارم حالا سازگاری می کنم چون حقوق من حفظ شده، به من نگاه شده، به من اهمیت داده شده، حالا با یک نگاه و یک بیان اقتصادی، این اول ماجراست. نیاکان ما و سنت های ما وقتی یک چیزی را می گویند، حتماً دلیلی دارد، حتماً چند نسل فکر پشت آن است. به نظر من زن باید مهریه داشته باشد، البته یک مهر معقول. هتاسفانه بعضی از دختر خانم ها این را رعایت نمی کنند.
وقتی در زندگی مشکلی پیش بیاید، زن با خودش می گوید این مرد من را دوست داشت یک هزینه ای را قبول کرد تا من را داشته باشد، در نتیجه زیاد احساس پرت بودن نمی کند. به بچه هایم گفتم زمانی آدم ها خیلی هم وفادارند خیلی هم همه چیز عالی است اما در یک برهه ای به دلایل مختلف احساسی، اخلاقی، اقتصادی و... ممکن است مشکلاتی به وجود بیاید که چاره ای جز جدایی نباشد. آن وقت زن که جوانی و عمرش را گذاشته، باید یک پشتیبان مالی داشته باشد، اگر مرد در شرایط خاصی اراده کند که از نظر عاطفی پرورد سراغ یک نفر دیگر و عواطفش را با یک زن دیگر شریک شود، در جامعه ما مشکلی برای آن مرد ندارد ولی وقتی مهریه وجود داشته باشد، یعنی مرد باید کاری که کرده تاوان بپردازد. وقتی مجبور باشد تاوان بدهد، ممکن است ترمزی بکند و با خودش فکر کند ببیند آیا یک هوسرانی ارزش این را دارد؟ نگاه من به مهریه این شکلی است و گر نه خیلی مشخص است وقتی دو نفر با هم نسانند و قرار باشد روزها، ساعت ها و عمر شان را در نگرانی، غصه، دعوا و عدم تقاضم بگذرانند، ترجیح می دهند همه چیز شان را بدهند تا از آن شرایط بد بیرون بیایند. این طوری نیست که فرد بماند و بسوزد تا مهریه اش را بگیرد و اگر کسی او چنین کاری کند، کار غیرعقلانه ای کرده، چون زن مهریه اش را برای رفاه زندگی می خواهد. اگر قرار باشد کسی را داغان و روح و وجودش را بزمرد کند، دنبال آن رفتن اصلاً به درد نمی خورد چون بعداً باید آن پول را خرج دوا درمان کند. مهریه چنین مفهومی برای من دارد که به آن

جمعی از دانش آموزان ممتاز دبستان شهید دشتبان
با تقدیر و تشکر از آموزگاران مربوطه و مدیر محترم آموزشگاه
۳۵۱۰۱۸

حدیث پور حسین پایه اول ممتاز درسی	نجمه رضایی پایه اول ممتاز درسی	ملیکا زارع حسین آبادی پایه دوم ممتاز درسی	فاطمه زهرایی پایه دوم ممتاز درسی	جمعی از دانش آموزان ممتاز دبستان شهید دشتبان

حدیث پور حسین پایه اول ممتاز درسی	نجمه رضایی پایه اول ممتاز درسی	ملیکا زارع حسین آبادی پایه دوم ممتاز درسی	فاطمه زهرایی پایه دوم ممتاز درسی	جمعی از دانش آموزان ممتاز دبستان شهید دشتبان